

ریشه‌یابی اندیشکده، رسالت آن و آسیب‌شناسی اندیشکده ایرانی

گفتارهایی پیرامون تبار اندیشکده



گفتاری از مهندس
مهدی خراطیان

سیاست پژوه و مدیر اندیشکده احیای سیاست



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
خداي زركه بخشايش بهر چشمه ابد

شناسنامه اثر

عنوان اثر: همان

گفتاری از: مهندس مهدی خراطیان (سیاست پژوه و مدیر اندیشکده احیای سیاست)

به کوشش و ویراستاری علمی: محمدمهدی همتی فقیه

تهیه شده در: معاونت رسانه و نشر اندیشکده راهبردی امید

طراحی جلد و صفحه آرایی: حسین احمدی

قیمت: رایگان

نشانی: خیابان کریمخان زند، نبش عضدی شمالی، ساختمان سابق معاونت

فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی، اندیشکده راهبردی امید

فهرست مطالب

- ۶ | مقدمه
- ۶ | جایگزینی توسعه علمی با توسعه سیاسی
- ۶ | طبقه متوسط شهری و تغییر مسیر اندیشکده ایرانی
- ۷ | تولد اندیشکده در ایالات متحده
- ۷ | اصل بسیار مهم استقلال مالی اندیشکده
- ۸ | اندیشه و فلسفه سیاسی حلقه‌های مفقود اندیشکده ایرانی
- ۸ | نقص در سیاست پارادایمی
- ۸ | بیگانگی با زبان و منابع علمی غیرفارسی
- ۹ | انسان اندیشکده‌ای؛ ایستاده در چهارراه
- ۹ | نگارش خلاصه سیاستی، مهارت بایسته انسان اندیشکده‌ای
- ۹ | نفع بخش خصوصی در تقویت زیست‌بوم اندیشکده‌ای
- ۱۰ | نگرش فرارشته‌ای؛ لازمه فعالیت انسان اندیشکده‌ای
- ۱۰ | نیروی انسانی کم و کیفی

مقدمه

از مسائل بسیار قابل توجه در موضوع اندیشکده، ریشه‌یابی اندیشکده، رسالت آن و آسیب‌شناسی اندیشکده ایرانی است. در گفتار حاضر ارائه مهندس مهدی خراطیان، سیاست پژوه و مدیر اندیشکده احیای سیاست به بررسی این محورها اختصاص دارد.

جایگزینی توسعه علمی با توسعه سیاسی

در ایران اندیشکده‌ها طی چهار یا پنج موج توسعه پیدا کردند. در موج سوم که در ابتدای دهه هشتاد به وقوع پیوست، اندیشکده‌ها به اوج پیشرفت خود رسیدند. در همین زمان بود که جناحین سیاسی کشور به جای تکیه بر ادبیات توسعه سیاسی به ادبیات توسعه علمی روی آوردند. بعد از قتل‌های زنجیره‌ای اواخر دهه هفتاد، دولت آقای خاتمی در سیاست داخلی مقداری معقول‌تر رفتار کرد و این رفتار معقول باعث شد که ما در سال‌های ۸۲ و ۸۳ رشد ۸ درصدی را هم تجربه کنیم. در همان دهه و در اواخر دولت آقای خاتمی و اوایل دولت آقای احمدی‌نژاد، مجموعه‌های متعددی مانند معاونت علمی ریاست جمهوری، کمیته‌های فناوری نانو و بایو، اندیشکده‌ای‌تان، بنیاد نخبگان در ایران تأسیس شد.

گفتمان اصلی آن دهه، گفتمان توسعه اقتصادی بود و به همین دلیل بود که اندیشکده‌هایی فن‌سالار با ادبیات مدیریت فناوری آغاز به کار کردند. اندیشکده ایتان^۱ هم در همان دوران و با یک رویکرد فن‌سالارانه شروع به کار کرد. سپس این اندیشکده تطور پیدا کرد و به یک اندیشکده فرارشته‌ای تبدیل شده و حوزه‌های مختلفی چون مطالعات بین‌الملل و امنیت ملی نیز به هسته‌های اصلی آن افزوده شد. خط‌مشی ایتان حل مسئله به صورت کاملاً مهندسی بوده و است. بنده چون فارغ‌التحصیل حوزه مهندسی از دانشگاه شریف هستم و سپس وارد علوم انسانی شدم، این نوع تفکر کاملاً پوزیتیویستی و فنی را درک می‌کنم. ایده ایتان همواره این بوده که در جریان حل مسئله مطالعات بنیادین چندان نیازی به توجه جدی ندارد. در وضعیت کنونی نیز چنین ایده در آن مرکز غلبه دارد.

طبقه متوسط شهری و تغییر مسیر اندیشکده ایرانی

در اواسط دهه هشتاد بود که موج فعالیت اندیشکده‌های فن‌سالار کم‌رنگ شد. بعد از شروع منازعات هسته‌ای ایران و اتفاقات سال ۸۸، حکومت جمهوری اسلامی با شورش طبقه‌های متوسط شهری مواجه شد. طبقه‌ای که وضعیت اقتصادی بدی نداشت اما ناگهان با یک اتفاق بزرگ امنیتی-

۱. ایتان، مخفف عبارت Iran Technology Analysis Network است.

اجتماعی مواجه شد که تحلیلی برای علت وقوع آن نداشت. این دو قضیه، یعنی منازعات هسته‌ای و وقایع پس از دهمین انتخابات ریاست جمهوری، باعث شکل‌گیری موج دیگری از ایجاد و فعالیت اندیشکده‌ها با رویکرد امنیت ملی و جامعه‌شناسی شد، اما تعداد اندیشکده‌های تأسیس شده در نسبت با موج قبلی کم‌تر بود. این مسئله به این خاطر بود که هنوز برای حکومت مشخص نبود علوم انسانی به چه دردی می‌خورد و چه موضوعیتی دارد. سپس اندیشکده‌های مختلفی شروع به فعالیت کردند که از نظر من این‌ها شبه‌اندیشکده هستند، زیرا با تعاریف استاندارد اندیشکده‌ای قابل تعریف نیستند.

تولد اندیشکده در ایالات متحده

خاستگاه اصلی اندیشکده، ایالات متحده است. در دوره‌ای بنیادهایی چون بنیاد فورد، راکفلر یا کارنگی ساخته شد. کارنگی در حوزه فولاد، فورد در حوزه حمل‌ونقل و راکفلر در حوزه شبکه‌های لوله نفتی آمریکا مشغول به فعالیت بودند. این مراکز بعد از مشاهده ضعف در بدنه کارشناسی دولت فدرال بر آن شدند تا با تأسیس مؤسسات پژوهشی به دولت فدرال کمک کنند تا اهداف بزرگ‌تری تأمین شود. در آن زمان رویکرد آمریکا همچنان انزواگرایانه بود. به مرور زمان این شرکت‌ها و کمپانی‌ها با تأسیس اندیشکده‌های کارشناسی مثل^۲ DFR، بنیاد راسل، بروکیز و هوور^۳ به جبران ضعف دولت فدرال کمک کردند. اندیشکده‌ها در چنین بستری به وجود آمدند. این مراکز به نوعی در امتداد نظام اقتصادی و جامعه مدنی آمریکا تعریف شده بودند اما این وضعیت در ایران این‌گونه نبوده است.

اصل بسیار مهم استقلال مالی اندیشکده

متأسفانه در کشور ما حزب و نهادهای جامعه مدنی که از مراکز اندیشکده‌ای پشتیبانی مالی یا گفتمانی کند وجود نداشته و ندارد. در کشور ما فقط دولت وجود دارد که آن هم جهت‌گیری خاصی دارد. یکی از بحث‌های اصلی در مورد فعالیت اندیشکده، استقلال آن به عنوان یکی از اصول هر اندیشکده است. بحث‌های بسیار طولانی وجود دارد که استقلال اندیشکده چه تعریفی دارد و چگونه به وجود می‌آید. مثلاً در دولت قبلی، مرکز همکاری‌های ریاست جمهوری با ایتان همکاری می‌کرد اما زمانی که اندیشکده ایتان با برجام مخالفت کرد، رئیس آن مرکز با ایتان قطع همکاری کرد و به نوعی ایتان در ادامه راه خود با مشکلات زیادی مواجه شد. مجدداً و زمانی که دولت آقای رئیسی بر سر کار آمد، ایتان دوباره به معادلات برگشت. وقتی شرایط کاری یک اندیشکده با تغییر دولت‌ها عوض

۲. Digital Forensic Research Lab

۳. Hoover Institution

می‌شود، اسم این مجموعه دیگر اندیشکده نیست. یکی از موانع اصلی استقلال اندیشکده‌ها در ایران تأثیر تغییر و تحولات دولت‌ها بر روند کار اندیشکده است.

اندیشه و فلسفه سیاسی حلقات مفقود اندیشکده ایرانی

می‌توان دومین مشکل اندیشکده‌های ایرانی را عدم توجه به فلسفه و اندیشه سیاسی دانست. افرادی که از علوم سیاسی وارد فضای اندیشکده می‌شوند این نکته را بهتر درک می‌کنند تا کسانی که از گرایش خط‌مشی‌گذاری به این فضا می‌آیند، آن‌ها چون از رشته مدیریت دولتی وارد شدند، نگاه کاملاً خطی به مسائل دارند و متوجه نیستند که در کدام چارچوب نظری مسائل را تحلیل می‌کنند. آن‌ها متوجه نیستند که اقتضای مکتب رئالیسم داشتن نگاه غیرتاریخی به مسائل و در اولویت دادن به دولت‌ملت هاست. مارکیسیست‌ها روابط قدرت را طور دیگری تحلیل می‌کنند، اقتصاد سیاسی برایشان خیلی مهم‌تر است و روابط قدرت را فراتر از دولت‌ملت‌ها تحلیل می‌کنند. فعالان اندیشکده ایرانی متوجه اقتضات فلسفه سیاسی مسائل نیستند و توانایی درک مسائل به صورت عمیق را ندارند. این ضعف، در مسائل پیچیده خودش را نشان می‌دهد. در مواقعی شما نیاز دارید از مکاتب مختلف در کنار هم استفاده کنید. در این شرایط اگر چارچوب‌های نظری را ندانید، فقط به راه‌حل‌ها توجه کرده و نتایج بی‌فایده ارائه می‌دهید. متأسفانه دانش‌آموختگان علوم انسانی ما این مشکل را دارند.

نقص در سیاست پارادایمی

مشکل سوم این است که در یک لایه پایین‌تر از فلسفه و اندیشه سیاسی، سیاست پارادایم^۴ هم مشکل دارد. در سیاست پارادایم مثلاً گفته می‌شود من نسبت به افغانستان یک چارچوب سیاستی دارم که اولویت‌بندی‌های من را مشخص می‌کند. فرضاً برای من که نسبت به افغانستان دیدگاه خاصی دارم و سیاست فرهنگی برایم مهم است، توجه به مسائل تاجیک‌ها و هزاره‌ها یک اولویت در منافع ملی بلندمدت ایران است. این یک سیاست پارادایم است که از دیدگاه من نسبت به روابط قدرت در افغانستان نشأت گرفته است.

بیگانگی با زبان و منابع علمی غیرفارسی

مشکل بعدی فعالان اندیشکده ایرانی که فقدان توان مطالعه و دنبال کردن مطالب غیرفارسی است. عمده دانش‌آموختگان علوم انسانی فاقد مهارت‌های زبانی بوده و بیشتر به منابع ترجمه‌شده مراجعه

۴. Paradigm policy

می‌کنند. این نکته آن‌ها را از بخشی از ادبیات تولیدشده محروم می‌کند.

انسان اندیشکده‌ای؛ ایستاده در چهارراه

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که کار اندیشکده‌ای صرفاً مطالعه کتاب نیست. پژوهشگر می‌بایست هر روز اخبار و مطالب اندیشکده‌ها و سایت‌های معتبر جهانی را بررسی کرده و از گرایش‌ها سیاسی و جناحی این اندیشکده‌ها اطلاع داشته باشد. پس خواندن صرف کفایت نمی‌کند. باید با نگاهی کاملاً انتقادی و تحلیلی به پایگاه‌های خبری نظر انداخت. خصوصیت مهم یک فرد اندیشکده‌ای این است که به لحاظ نهادی در چهارراه دانشگاه، رسانه، دولت و اقتصاد ایستاده و با هر چهار نهاد تعامل دارد.

نگارش خلاصه سیاسی، مهارت بایسته انسان اندیشکده‌ای

مسئله مهم بعدی که باید به آن اشاره کرد این است که باید فرمت و ادبیات گزارش نویسی برای مدیران پرمشغله را بلد بشویم. مقدمه یک یادداشت سیاسی خیلی مهم است. اگر در دو سه جمله اول آن حرفی که می‌خواهید بگوئید را نیاورید، آن مدیر گزارش شما را رها می‌کند. اینکه یک مقدمه و پایان چندجمله‌ای قوی داشته باشید جزو مقدمات کار است. گزارش باید فرمت شکیل و مرتبی داشته باشد. ارائه دادن و پاورپوینت خوب داشتن خودش یک هنر است.

نفع بخش خصوصی در تقویت زیست‌بوم اندیشکده‌ای

متأسفانه در ایران بخش خصوصی به سیاست‌پژوهی به این معنا که در غرب است، اعتقادی ندارد. بخش خصوصی تازه متوجه شده که دولت از تمشیت امور ناتوان شده و باید خودش برای خودش فکری کند و ضعف دولت را جبران کند. شرکت‌های خصوصی باید بدانند که اگر ایران در جنگ کریدورها بازنده شود، این آن‌ها هستند که ضرر می‌کنند. کشور هر چه در تحریم بماند، بخش خصوصی بیشتر ضرر می‌کند. آن‌ها باید بنیادی تأسیس کنند و برای تأمین منافع خودشان از اندیشکده‌ها حمایت کنند.

آنچه من می‌فهمم این است که تلفیقی از مسائلی چون عدم درک درست از نهاد اندیشکده و خاستگاه‌های تاریخی آن، داشتن سوءتفاهم و نگاه‌های پوزیتیویستی جدی درباره حل مسئله، عدم درک جایگاه اندیشه و فلسفه سیاسی به همراه برخی مؤلفه‌های اقتصادی به وضع فعلی منجر شده است. یعنی تعدادی اندیشکده کم‌سواد، کم‌کارکرد، با دانش پایین و استقلال کم داریم. کیفیت

یادداشت‌های سیاستی بسیار پایین آمده است چون اهمیت تحقیق و پژوهش آن‌هم در مقالات جدید برای پژوهشگر مشخص نیست.

انگوش فرارشته‌ای؛ لازمه فعالیت انسان اندیشکده‌ای

کار اندیشکده‌ای بسیار مشکل است. سخت‌ترین گونه تفکر سیاست‌پژوهی به معنای واقعی کلمه در فضای اندیشکده اتفاق می‌افتد. یکی از ضعف‌های مهم اندیشکده‌های ایران فقدان داشتن نگاه فرارشته‌ای به مسائل است. شما به عنوان سیاست‌پژوه، سخت‌ترین نوع تفکر را دارید. هم باید فلسفه سیاسی بدانید. همچنین باید با فیلسوف، متخصص روابط بین‌الملل، متخصص اقتصاد سیاسی گفتگو کنید و بدانید نرخ بهره و فدرال رزرو چیست. این‌ها برای این است که سیاست امری پیچیده و فرارشته‌ای است. اندیشکده موظف است این مسئله را در خود نهادینه کند وگرنه کیفیت خروجی خوبی نخواهد داشت.

نیروی انسانی کم و کیفی

نمی‌شود با یک متدلوژی خاص به فهم کار اندیشکده‌ای رسید. این فهم، حاصل یک اندرکنش دائمی و غوطه‌ور شدن در اخبار است. اگر بخواهید وارد این‌ها شوید، کار اندیشکده‌ای کنید و استقلال داشته باشید، هزینه‌اش بالاست. اینکه اندازه مجموعه ما محدود به دو نفر است برای همین منظور است که بتوانیم طرح‌هایی پژوهشی در جریان را مدیریت کنیم.

ممکن است اندیشکده شما متشکل از چهار نفر باشد، اما واجد بایسته‌های پیش‌گفته باشید؛ اگر اندیشه سیاسی داشته، به روز بوده و منابع غیرفارسی را مطالعه کنید، در این صورت می‌توانید به اندازه یک اندیشکده پانصد نفری از طریق توییتر و تلگرام موج‌سازی کنید. این در حالیست که تعداد بسیار زیاد نیرو در اندیشکده فاقد مؤلفه‌های پیش‌گفته، نتیجه چندان قابل توجهی به دست نمی‌دهد.